

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- I preferred a definite answer, but my boss kept between the distinct options available to us.
1) fluctuating 2) assessing 3) vacillating 4) diverging
- 2- The students were and weary after the history examination, which was tough as well as lengthy.
1) resilient 2) outgoing 3) exhaustive 4) enervated
- 3- The judge's ruling was on the simple commonsense that no man is above the law.
1) tenet 2) privilege 3) acclaim 4) endeavor
- 4- The spokesperson made such a/an statement that no one, including the members of his own party, could understand it.
1) somber 2) opaque 3) credulous 4) emphatic
- 5- He is a real sycophant today; you will often see him flattering his boss; and the behind all this is to get a promotion.
1) motive 2) lucidity 3) causality 4) domination
- 6- The scheme's investors, fearful of bankruptcy, decided to the project and start a new venture.
1) discomfit 2) exacerbate 3) disappoint 4) abandon
- 7- Some company managers are asking for reforms but others have been defenders of the status quo.
1) regrettable 2) obdurate 3) indifferent 4) haphazard
- 8- Some of the best linguists were strict schoolmasters accustomed to give top marks only to those boys who presented accurate translations.
1) willingly 2) adroitly 3) meticulously 4) anxiously
- 9- A violent temper, which he made no attempt to control or, led him into trouble with his superiors.
1) abolish 2) conceal 3) encourage 4) elevate
- 10- Any time he comes across evidence that is not in harmony with his claim, he tends to it to make it match his claim.
1) verify 2) preserve 3) entail 4) tailor
- 11- Under Pericles, Athens also attained her greatest measure of commercial, and the activity of her traders all over the Levant, the Black Sea and the West, is attested not only by literary authority, but also by numerous Attic coins and vases.
1) beneficiary 2) originality 3) heredity 4) prosperity
- 12- I am now losing my trust in you because what you said yesterday is not what you are suggesting now.
1) consistent with 2) peripheral to 3) heedless of 4) extraneous to

۱. گزینه «۳» سخت

« یک جواب قطعی را ترجیح می‌دادم، اما رئیس‌م بین گزینه‌های متمایز در دسترس ما، همچنان مردد بود. »

- (۱) fluctuate: نوسان داشتن
(۲) assess: ارزیابی کردن، سنجیدن
(۳) vacillate: مردد بودن، نوسان داشتن
(۴) diverge: از هم دور شدن، انشعاب یافتن، واگرایییدن

۲. گزینه «۴» سخت

« دانش‌آموزان پس از بررسی تاریخ، که سخت و همچنین طولانی بود، بی‌حال و خسته بودند. »

- (۱) resilient: سرسخت، انعطاف‌پذیر
(۲) outgoing: اجتماعی، بیرون‌رونده، خروجی
(۳) exhaustive: جامع و کامل
(۴) enervated: ناتوان، بی‌حال

۳. گزینه «۱» سخت

« رأی قاضی بر مبنای [این] اصل عاقلانه ساده بود که هیچ کس بالاتر از قانون نیست. »

- (۱) tenet: اصل، عقیده
(۲) privilege: امتیاز، حق ویژه
(۳) acclaim: ستایش، تمجید
(۴) endeavor: تلاش

۴. گزینه «۲» سخت

« سخنگو چنان اظهار نظر مبهمی کرد که هیچ کس، از جمله اعضای حزب خودش، متوجه آن نشد. »

- (۱) somber: تیره و تار، ناراحت، غمگینانه
(۲) opaque: مات و کدر، مبهم و غیرشفاف
(۳) credulous: گاگول، ساده لوح
(۴) emphatic: مؤکد، تأکیدی، قاطع، محکم

۵. گزینه «۱» متوسط

« او امروز واقعاً چاپلوس است. اغلب او را خواهید دید که چاپلوسی رئیسش را می‌کند. و انگیزه پشت همه این‌ها ترفیع گرفتن است. »

- (۱) motive: انگیزه
(۲) lucidity: وضوح، شفافیت
(۳) causality: علیت، خاصیت سببی
(۴) domination: سلطه، تسلط

۶. گزینه «۴» متوسط

« سرمایه‌گذاران [این] طرح، از ترس ورشکستگی، تصمیم به ترک پروژه و آغاز یک سرمایه‌گذاری جدید گرفتند. »

- (۱) discomfit: شرمنده کردن، ناراحت کردن
(۲) exacerbate: بدتر کردن
(۳) disappoint: ناامید / دلسرد کردن
(۴) abandon: ترک کردن، رها کردن

۷. گزینه «۲» سخت

« برخی از مدیران شرکت خواستار اصلاحات هستند اما برخی دیگر مدافعان کله‌شقی وضع موجود هستند. »

- (۱) regrettable: تأسف‌بار
(۲) obdurate: لجباز، کله‌شقی
(۳) indifferent: بی تفاوت، متوسط
(۴) haphazard: تصادفی، اتفاقی

۸. گزینه «۳» سخت

« بعضی از بهترین زبان‌شناسان، استادان سختگیر مدرسه بودند که عادت داشتند فقط به پسرانی که ترجمه‌هایی با نهایت دقت ارائه می‌دادند، نمرات برتر و عالی بدهند. »

- (۱) willing: مایل، حاضر
(۲) adroit: ماهر، زبردست
(۳) meticulous: دقیق، وسواسی
(۴) anxious: نگران، نگران‌کننده، مشتاق

۹. گزینه «۲» سخت

« خلق و خوی خشن، که او هیچ تلاشی برای کنترل یا پنهان [آن] نکرد، او را با مافوق‌های خود به مشکل انداخت. »

- (۱) abolish: لغو / منسوخ کردن
(۲) conceal: پنهان کردن
(۳) encourage: تشویق کردن
(۴) elevate: بالا بردن، ترفیع‌دادن، زیاد کردن

۱۰. گزینه «۴» سخت

« هر وقت شواهدی پیدا می‌کند که با ادعای او هماهنگ نیست، تمایل دارد آن را متناسب کند تا با ادعایش سازگار شود. »

- (۱) verify: تأیید / بررسی کردن
(۲) preserve: نگهداری / حفظ کردن
(۳) entail: متضمن بودن، مستلزم / شامل بودن
(۴) tailor: متناسب کردن

۱۱. گزینه «۴» سخت

« در زمان پریکلس، آتن همچنین بیشترین میزان رونق تجاری خود را به دست آورد، و فعالیت تاجرانیش در سرتاسر لوانت، دریای سیاه و غرب، نه تنها توسط کارشناسان ادبی، بلکه توسط سکه‌ها و گلدان‌های متعدد آتیک، به اثبات رسیده است. »

- (۱) beneficiary: ذینفع، ذیحق
(۲) originality: اصالت
(۳) heredity: انتقال موروثی، وراثت
(۴) prosperity: رونق، کامیابی

۱۲. گزینه «۱» سخت

« اکنون اعتماد خود به شما را دارم از دست می‌دهم، زیرا آنچه دیروز گفتید با آنچه اکنون پیشنهاد می‌کنید مطابقت ندارد. »

- (۱) consistent: باثبات، استوار، مطابق
(۲) peripheral: حاشیه‌ای
(۳) heedless: بی‌اعتنا
(۴) extraneous: بی‌ربط، غیر ضروری

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 1- Mr. Shwarz has turned hundred today, and the secret of his is regular exercise and well balanced diet.
1) longevity 2) revival 3) persistence 4) permanence
- 2- He did not consider the journalist's question was to the main issue of the press conference, and chose to ignore it.
1) attentive 2) sensitive 3) peripheral 4) pertinent
- 3- The balcony of his new home his neighbor's land and thus had to be demolished.
1) imposed on 2) infiltrated into 3) deprived of 4) encroached on
- 4- Our neighbor's house has merely beauty and is rather dirty from within.
1) tender 2) extrinsic 3) aesthetic 4) decorous
- 5- We were impressed by the with which the sculptor carved out of the ice statue.
1) dexterity 2) aggression 3) implementation 4) abruptness
- 6- The public soon became aware of his Machiavellian tactics to win the election, and his deceitful methods.
1) threatened 2) dissatisfied 3) condemned 4) overlooked
- 7- Kim is a eater who manages to find faults in food cooked even by the finest of chefs.
1) crucial 2) daunting 3) superfluous 4) fastidious
- 8- The little girl very cleverly my question about the occupation of her father, asking me instead about the gadget in my hand.
1) deflected 2) exposed 3) accused 4) retaliated
- 9- I made a/an between plant and animal-life, and told her that seeds are eggs as truly as hens' eggs and birds' eggs – that the mother hen keeps her eggs warm and dry until the little chicks come out.
1) generalization 2) distinction 3) equilibrium 4) analogy
- 10- The omnipresence of the mosquitoes us from sleeping; we had to spend the whole night looking for something that could drive away the mosquitoes.
1) avoided 2) prevented 3) withdrew 4) withheld
- 11- The way he dresses up and spends money lavishly clearly indicates his family background.
1) opulent 2) influential 3) benevolent 4) frugal
- 12- I'm desperately looking for a late evening, part-time job to my meager earnings from the job I have now.
1) prolong 2) amalgamate 3) augment 4) release

۱. گزینه «۱» متوسط

« آقای شوارتز امروز به صد سالگی رسیده است و راز عمر طولانی وی ورزش منظم و رژیم‌های متعادل است. »

- (۱) longevity: طول عمر، عمر طولانی
(۲) revival: احیا، تقویت
(۳) persistence: سماجت، تداوم
(۴) permanence: پایداری، دوام، ماندگاری

۲. گزینه «۴» سخت

« او در نظر نگرفت که سوال خبرنگار مرتبط با موضوع اصلی کنفرانس مطبوعاتی بود و تصمیم به نادیده گرفتن آن گرفت. »

- (۱) attentive: حواس جمع، کمک‌حال
(۲) sensitive: حساس
(۳) peripheral: حاشیه‌ای، پیرامونی
(۴) pertinent: مرتبط

۳. گزینه «۴» سخت

« بالکن خانه جدید وی، به زمین همسایه‌اش تعدی کرده بود و بنابراین باید تخریب می‌شد. »

- (۱) impose: تحمیل کردن
(۲) infiltrate: نفوذ کردن
(۳) deprive: سلب و محروم کردن
(۴) encroach: تعدی / غصب کردن، بیش از حد استفاده کردن

۴. گزینه «۲» آسان

« خانه همسایه ما صرفاً زیبایی بیرونی دارد و داخلش کثیف است. »

- (۱) tender: تُرد، حساس، لطیف
(۲) extrinsic: بیرونی، خارجی
(۳) aesthetic: وابسته به زیبایی
(۴) decorous: مؤدب، مناسب

۵. گزینه «۱» سخت

« ما از مهارت مجسمه‌ساز که آن مجسمه یخی را تراشیده بود، تحت تأثیر قرار گرفتیم. »

- (۱) dexterity: چابکی، مهارت
(۲) aggression: پرخاشگری، حمله
(۳) implementation: پیاده‌سازی، اجرا
(۴) abruptness: تندی، ناگهانی، بی‌ادبی

۶. گزینه «۳» متوسط

« افکار عمومی زود از تاکتیکهای ماکیاولی برای پیروزی در انتخابات آگاه شدند و روش‌های فریبکارانه او را محکوم کردند. »

- (۱) threaten: تهدید کردن
(۲) dissatisfy: ناراضی / ناامید کردن
(۳) condemn: محکوم کردن
(۴) overlook: چشم پوشی کردن، نادیده گرفتن، مشرف بودن بر

۷. گزینه «۴» سخت

« کیم یک خورنده وسواسی است که قادر به یافتن عیب و نقص در غذای پخته شده حتی توسط بهترین سرآشپزها است. »

- (۱) crucial: بحرانی، حیاتی
(۲) daunting: دلهره‌آور
(۳) superfluous: غیرضروری
(۴) fastidious: دقیق، وسواسی

۸. گزینه «۱» سخت

« آن دختر کوچک، خیلی هوشمندانه سوال من در مورد شغل پدرش را منحرف کرد و به جای آن از وسیله موجود در دست من، از من پرسید. »

- (۱) deflect: کج کردن، منحرف شدن
(۲) expose: افشاء کردن، نشان دادن
(۳) accuse: تهمت زدن
(۴) retaliate: تلافی کردن

۹. گزینه «۴» سخت

« من بین زندگی گیاهان و حیوانات مقایسه‌ای انجام دادم و به او گفتم که بذرها، همانند تخم مرغ‌ها و تخم پرندگان هستند - که مرغ مادر تا بیرون آمدن جوجه‌های کوچک، تخم‌های خود را گرم و خشک نگه می‌دارد. »

- (۱) generalization: تعمیم
(۲) distinction: تمایز، برتری
(۳) equilibrium: تعادل، آرامش
(۴) analogy: شباهت، مقایسه، قیاس

۱۰. گزینه «۲» متوسط

« حضور مطلق پشه‌ها مانع از خوابیدن ما شد. ما مجبور شدیم تمام شب را صرف جستجوی چیزی کنیم که بتواند پشه‌ها را از بین ببرد. »

- (۱) avoid: اجتناب کردن، پیچوندن، دوری کردن
(۲) prevent: مانع شدن، جلوگیری کردن
(۳) withdraw: خارج کردن پول از حساب، کنار کشیدن، پس گرفتن
(۴) withhold: دریغ کردن، ندادن

۱۱. گزینه «۱» متوسط

« نحوه لباس پوشیدن و خرج کردن با اسراف پول، به وضوح نشانگر پیشینه خانوادگی لاکچری او است. »

- (۱) opulent: باشکوه، لاکچری
(۲) influential: پرنفوذ، تاثیرگذار
(۳) benevolent: خیر اندیش، خوش دل
(۴) frugal: صرفه‌جو، ساده

۱۲. گزینه «۳» سخت

« به شدت در جستجوی شغل نیمه وقت آخر وقتی هستیم (هم نیمه وقت باشه، هم شبا برم سر کار)، تا درآمد ناچیز خود از شغلی که اکنون دارم را افزایش دهم. »

- (۱) prolong: طولانی کردن، بلند کردن
(۲) amalgamate: آمیختن، ادغام کردن
(۳) augment: افزایش دادن، زیاد کردن
(۴) release: رها/ مرخص کردن، منتشر کردن